

ارزیابی کیفیت زندگی در شهرهای کوچک با روش فازی

(در شهرهای بُردخون و بُنک در استان بوشهر)

محمدامین خراسانی*، هادی راستی**، الهه مغانی***

مقدمه: ارزیابی و اندازه‌گیری ادراک ذهنی مردم از کیفیت زندگی، روشی اساسی برای پایش سیاست‌ها و میزان تحقق برنامه‌های توسعه است که در این راستا، پژوهش حاضر به ارزیابی کیفیت زندگی در دو روستای ارتقایافته به شهر بُردخون و بُنک در دو زمان قبل و بعد از شهر شدن و تبیین اثرگذاری این ارتقاء در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی پرداخته است.

روش: این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز با پیمایش در بین ۲۷۸ سرپرست خانوار در دو شهر بُردخون و بُنک به دست آمده و تحلیل داده‌ها از طریق جعبه ابزار فازی در نرم‌افزار MATLAB انجام شده است.

یافته‌ها: سطح کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های مورد مطالعه در زمان قبل از شهر شدن با ضریب ۰/۴۸۵ در حد «نسبتاً نامطلوب» قرار داشت، اما در زمان بعد از شهر شدن، سطح رضایتمندی با ضریب ۰/۷۰۱ به حد «نسبتاً مطلوب» ارتقاء یافته است.

بحث: نتایج پژوهش بیانگر نقش مؤثر سیاست تبدیل روستا به شهر در بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: بُردخون و بُنک، رضایتمندی، روش فازی، شهرهای کوچک، کیفیت زندگی

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲۳

* دکتر جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران، <khosravi_ma@ut.ac.ir> (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان

*** کارشناس جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

طی نیم قرن اخیر رشد سریع فرآیند صنعتی شدن و تکنولوژی که بیش تر در قالب تولید و مصرف انبوه کالاها و خدمات نمود پیدا کرده، مسائل عدیده‌ای را برای انسان متجدد در سکونتگاه‌های انسانی به وجود آورده است. در نتیجه این مسائل به‌ویژه در ممالک کم تر توسعه یافته، نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی در سطح منطقه‌ای به وجود آمده و سبب بروز اختلاف شدید کیفیت زندگی بین شهر و روستا گردیده و به تبع آن مهاجرت روستاییان را به شهرها و دیگر نواحی موجب شده است. کشورهای کم تر توسعه یافته از جمله ایران برای رفع آثار منفی این مشکلات و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه‌های روستایی و شهری، سیاست‌های مختلفی را دنبال کرده‌اند که از جمله مهم ترین آنها ایجاد و توسعه شهرهای کوچک می‌باشد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸). کشور ایران نیز در سال‌های اخیر به منظور بهبود کیفیت زندگی و جلوگیری از ورود مهاجران روستایی به شهرها، سیاست تبدیل روستاهای بزرگ و مستعد به شهر را با سرعت بیش تری پیش گرفته تا بتواند کیفیت زندگی مردم روستایی را تا حد قابل قبولی بهبود بخشیده و از طرفی دیگر از ورود آنها به شهرهای بزرگ جلوگیری نماید. به همین منظور، در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۰ به توسعه و تقویت شهرهای کوچک و مستعد با تحقق شعار ورود ایران به ۱۴۰۰ به ایجاد ۱۴۰۰ نیک شهر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است (خرامه، ۱۳۸۰).

از این رو با توجه به روند سریع ارتقای روستاها به شهر در کشور، که با تقاضاهای گسترده مردم در جهت بهبود وضع زندگی و برخورداری از امکانات و خدمات بهتر از یک طرف (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸) و اهمیت اساسی میزان کیفیت زندگی در فضاهای برنامه‌ریزی شده در دنیای امروز از طرف دیگر، ضرورت دارد که میزان برآورده شدن این انتظارات پس از گذشت زمانی معین مورد بررسی و کاوش قرار گیرد. اما از آنجایی که ابهام و عدم قطعیت، به طور ذاتی حاکم بر علوم انسانی به‌ویژه در محیط‌های برنامه‌ریزی و

تصمیم‌گیری می‌باشد (امینی فسخودی، ۱۳۸۴) و ارزش‌گذاری شاخص‌های رضایتمندی از کیفیت زندگی به‌طور نسبی در مناطق مختلف جغرافیایی دارای تفاوت‌های مکانی-فضایی است، از این رو برای ارزیابی میزان رضایتمندی از کیفیت زندگی روش‌های زیادی از جمله تحلیل‌های استنباطی آماری و غیرآماری مطرح شده‌اند. اما روش‌های قاطع و سستی که نگاه دو ارزشی دارند، برای تصمیم‌گیری، بنا به دلایلی از قبیل اطلاعات بیش‌تر کیفی تا کمی، معیارها و شاخص‌های ناکامل، تصورات و ادراکات متعارض، ریسک و عدم قطعیت و هزینه‌های بالای دسترسی به اطلاعات دقیق و...، در مواجهه با اطلاعات نادقیق و مفاهیم ناخوش‌تعریف بسیار ضعیف عمل کرده (داسی^۱ و همکاران، ۱۹۹۹) و کارایی چندانی در بیان دقیق واقعیت موجود ندارند. بنابراین برای ارزیابی کیفیت زندگی (که خود مفهومی مبهم محسوب می‌شود) استفاده از روش‌های جدید و چندارزشی که قادر باشند نتایج واقعی‌تری ارائه نمایند، اهمیت ویژه دارد. زیرا نتایج دقیق و نزدیک‌تر به واقعیت موجود می‌تواند در کمک به برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در اتخاذ تصمیمات دقیق‌تر و ارائه راهبردهای مدیریتی واقعی‌تر و دستیابی به توسعه‌ای مطلوب‌تر و پایدار، نقش اساسی ایفا کند. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی کیفیت زندگی در دو روستای ارتقایافته به شهر (بُردخون و بَنک) واقع در استان بوشهر در دو زمان قبل و بعد از شهر شدن و تبیین اثرگذاری این ارتقاء در بهبود کیفیت ذهنی زندگی ساکنان محلی می‌باشد، که در ابعاد اقتصادی و اجتماعی با بهره‌گیری از رویکرد فازی انجام گرفته است. نتایج پژوهش این امکان را به‌دست می‌دهد که کیفیت زندگی که به‌طور قوی با عمل برنامه‌ریزان و سیاستگذاران عمومی ارتباط دارد، بر مبنای رویکرد فازی با دقت بالایی ارزیابی شده، مؤلفه‌های مؤثر بر آن تبیین و نظامی مؤثر برای پشتیبانی از تصمیمات مربوط به حوزه‌ها،

1. Ducey

راهبردها و اولویت‌های مربوط به اقدامات عمومی تدوین گردد.

پیشینه پژوهش

تاکنون در داخل کشور در زمینه ارتقای روستاها به شهر و تأثیرات آن بر توسعه نواحی روستایی اطراف، مطالعاتی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعات جمعه‌پور و رشنودی (۱۳۹۰)، سرایی و اسکندری ثانی (۱۳۸۶)، ایزدی خرامه (۱۳۸۰)، رستمی (۱۳۸۰)، امیرانتخابی هشتپیری (۱۳۸۶)، رضوانی، گلی و اکبریان رونیزی (۱۳۸۶) و قادرمرزی (۱۳۸۳) اشاره کرد. همچنین در خصوص تأثیرات این ارتقا بر ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی ساکنان محلی و روستاهای اطراف، رضوانی، منصوریان و احمدی در سال ۱۳۸۸ طی پژوهشی تحت عنوان «ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)» به این نتیجه رسیدند که ارتقای روستا به شهر باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در شهر فیروزآباد و بهبود نسبی کیفیت زندگی در شهر صاحب شده است. در رابطه با سنجش میزان رضایت با رویکرد فازی نیز، پژوهش‌های معدودی در کشور انجام شده که از جمله آن‌ها مطالعه درویش متولی و همکاران (۱۳۹۰) تحت عنوان «سنجش رضایت دانشجو با بهره‌گیری از رویکرد فازی (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه)»، رادفر و همکاران (۱۳۸۹) با عنوان «اندازه‌گیری رضایت مشتریان با استفاده از منطق فازی (مطالعه موردی: دستگاه‌های خودپرداز بانک صادرات ایران در شهر تهران)» و حجازی (۱۳۸۴) با عنوان «اندازه‌گیری رضایتمندی مشتریان شرکت رامک با روش فازی» قابل ذکر هستند. اما پژوهش حاضر در نوع خود که میزان رضایت ساکنان محلی از کیفیت زندگی در روستاها (شهرهای کوچک) را ارزیابی می‌کند، اولین مورد است که در کشور انجام می‌شود.

مبانی نظری

الف) رضایتمندی

رضایتمندی به حالتی از خشنودی افراد اطلاق می‌شود که در نتیجه ادراک و ارزیابی‌شان از شرایط محیط زندگی و تجربه فردی حاصل می‌گردد. به عبارتی دیگر، به حالت شادمانی، خشنودی و مطلوبیتی که در نتیجه تأمین نیازها و برآورده کردن تقاضاها و احتیاجات مراجعه کننده توسط ارائه کننده خدمت در مراجعه کنندگان ایجاد می‌شود، رضایتمندی گفته می‌شود (فرهادنژاد، ۱۳۸۷). به عقیده کاتلر سطح رضایت تابعی است از تفاوت بین ادراک از عملکرد و انتظارات فرد (رهنورد، ۱۳۸۲). یعنی افراد با توجه به یک مجموعه آرزوها و نیازهایی که دارند، شرایط فعلی‌شان را ارزیابی می‌کنند (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). یا برخی از محققان رضایتمندی اشخاص را انعکاس حالت روانشناختی، تقدیرگرایی و عقلانیت ابزاری می‌دانند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸). در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در رابطه با شاخص‌های بهبود کیفیت محیط زندگی صورت گرفته است. یکی از جنبه‌های این مطالعات توجه به تعامل انسان-محیط است، که در این روش سنجش میزان رضایت مردم از محیط زندگی‌شان اهمیت می‌یابد (هوریهان^۱، ۱۹۸۴). البته سنجش رضایت نه فقط بر اساس محیط عینی، بلکه بر پایه ادراک افراد از محیطی که به آن تعلق دارند، صورت می‌پذیرد (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸)، که امروزه این عمل به وسیله پرسش از پاسخ دهندگان ارزیابی می‌گردد (هوریهان، ۱۹۸۴). اولین مدل نظری درباره رضایت از محل سکونت، توسط مارنا و راجرز (۱۹۷۵) بیان شده است. آن‌ها رضایت از محیط سکونت را منوط به درک و ارزیابی شخص از ویژگی‌های محیط زندگی دانسته‌اند (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸). بنابراین، میزان رضایتمندی انسان‌ها از محیط زیست خود

1. Hourihan

نشانگر میزان تحقق اهداف و برنامه‌های تدوین یافته جهت بهبود وضعیت زندگی است. همچنین رضایت و نارضایتی از محیط، میزان مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه را متجلی می‌سازد (شایان و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین زمانی افراد یک جامعه از شرایط زندگی خود احساس خرسندی خواهند کرد که برنامه‌های توسعه در راستای تحقق نیازها و خواسته‌های آنها عملی شود و بر مبنای الویت تقاضاهای آنها در امور برنامه‌ریزی و سیاستگذاری اقدام گردد.

ب) کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی نسبی است که در دو وجه عینی و ذهنی نمود یافته و بسته به موقعیت‌های مختلف جغرافیایی و شرایط اجتماعی-فرهنگی فرق می‌کند. از این رو ارائه تعریفی جامع و مورد توافق همه نظریه‌پردازان برای آن وجود ندارد. عده‌ای از صاحب نظران کیفیت زندگی را به‌عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (ایپلای و منون^۱، ۲۰۰۸). برخی از آن به‌عنوان یک امر ذهنی یاد می‌کنند و آن را عبارت از میزان رفاه جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی که توسط افراد یا اشخاص درک می‌شود و نشان دهنده میزان رضایت از موهبت‌های زندگی می‌دانند (سلیم زاده و همکاران، ۱۳۸۶). سازمان بهداشت جهانی آن را «درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و الویت‌هایشان است» دانسته است (نجات، ۱۳۸۷). ماسام (۲۰۰۲) استدلال می‌کند که «کیفیت زندگی» می‌تواند به‌عنوان دستاورد شرایطی که

1. Epley and Menon

انتظارات و خواسته‌های افراد در آن تحقق می‌یابد، در نظر گرفته شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷). آرگیل کیفیت زندگی را با مفهوم تکوینی و سلامت فرد می‌سنجد؛ یعنی سلامت فرد به خوشحالی، رضایت از زندگی، نبود بیکاری و فقدان ناهنجاری‌ها بستگی دارد (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸). فو (۲۰۰۰) کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی خود قلمداد می‌کند. داس (۲۰۰۸) آن را به‌عنوان بهزیستی یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف کرده است. کوستانز و همکاران در سال ۲۰۰۷ کیفیت زندگی را به‌عنوان میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه‌ها از بهزیستی ذهنی تعریف کرده‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹).

افزون بر این تحقیقات بی‌شماری بر مقوله «رضایت» به‌عنوان مفیدترین شاخص سنجش کیفیت زندگی ذهنی تأکید می‌کنند (شناپدر^۱، ۱۹۷۶). شاخص‌های ذهنی که سطح رضایت افراد و گروه‌ها را ارزیابی می‌کنند (کوستانز^۲ و همکاران، ۲۰۰۷)، با توجه به پرسش‌هایی که محققان از طریق پرسشنامه از مردم درباره احساسات رضایت، شادکامی، ادراکات و... می‌پرسند، حاصل می‌شوند. در رابطه با شاخص‌های عینی و ذهنی، «لی» معتقد است که مناسب‌ترین شیوه برای کشف کیفیت زندگی، پرسیدن ادراک مردم از زندگی آنهاست. او براین باور است که شاخص‌های ذهنی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نسبت به شاخص‌های عینی ارجح‌تر است. زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فراهم می‌کنند. با وجود این شاخص‌های ذهنی پایایی کم‌تر و قابلیت اطمینان بیش‌تری دارند. یکی از دلایل پایایی کم‌تر گزارشات ذهنی، ناتوانی این شاخص‌ها برای نمایش وضعیت محیط زندگی مردم است. «فو» می‌گوید شاخص‌های عینی به‌تنهایی نمی‌توانند کیفیت واقعی زندگی را نشان دهند. زیرا این

1. Schneider
2. Costanza

شاخص‌ها دارای پایایی بالا و قابلیت اطمینان پایین در ارزیابی بهزیستی انسانی هستند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹). در رابطه با شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی، روان‌شناسان نیز معتقدند که اولین عامل تعیین کننده در مطالعه کیفیت زندگی، بررسی نگرش فرد نسبت به زندگی است. بسیاری از نظریه پردازان بر میزان احساس بهزیستی فرد در زندگی اش به عنوان عامل تعیین کننده در نگرش فرد به زندگی تأکید کرده‌اند.

از طرفی براون (۱۹۹۳) مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی در اجتماع را عوامل اقتصادی (درآمد کافی و شغل ایده آل) می‌داند (خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۵). زیرا اندازه‌گیری شاخص‌های ذهنی براساس پاسخ‌های ذهنی و روانی مانند رضایت از دسترسی‌ها و قدرت خرید صورت می‌گیرد. اندرز و ویتی (۱۹۷۶)، سطح رضایت از زندگی خانوادگی، شغل، درآمد، رضایت از عملکرد دولت در کل و رضایت از خدمات موجود را از جمله عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی ذهنی قلمداد کرده‌اند (همان). داینر از احساس رضایت از زندگی در اجتماع به عنوان عاملی مؤثر در ارتقای کیفیت زندگی ذهنی یاد کرده است (داینر^۱، ۲۰۰۰). تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کند (رحمان^۲ و همکاران ۲۰۰۳). کیفیت زندگی ذهنی به دلیل پیچیدگی و ابهام موجود در آن که غالباً با مفاهیم روزمره مانند خوب، نامطلوب، نسبتاً ضعیف و... بیان می‌شود، از عوامل زیادی متأثر است و این تأثیرگذاری بسته به شرایط محیطی، جغرافیایی و فرهنگی متفاوت است. از این رو می‌توان عواملی نظیر توان مالی و اقتصادی (درآمد و شغل پایدار)، دسترسی خدمات تجاری، امکانات عمومی و رفاهی (مسکن، آموزش و بهداشت و درمان)، شبکه

1. Diener
2. Rahman

حمل و نقل را جزو مؤثرترین شاخص‌ها بر کیفیت ذهنی ساکنان محلی سکونتگاه‌های انسانی در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته از جمله ایران برشمرد.

ج) شهرهای کوچک

اخیراً با رشد سریع شهرهای بزرگ کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، ظهور مسائل مربوط به کمبود واحدهای مسکونی و بالا رفتن میزان بیکاری، عده‌ای از محققان پیشنهاد کرده‌اند برنامه‌ریزی‌های توسعه بر اساس تأکید بر پویایی شهرهای کوچک تهیه شود، زیرا به دلیل وجود امکانات شغلی، تعلیم و تربیت و دیگر نیازهای اساسی، شهرهای بزرگ مقصد نهایی بیش‌تر مهاجران روستایی و مهاجران شهرهای کوچک است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۶). طرفداران نظریه نقش شهرهای کوچک در امر توسعه معتقدند در صورت تأمین این قبیل نیازها در شهرهای کوچک مسیرهای مهاجرتی تغییر یافته و به‌جای شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک مقصد نهایی مهاجران روستایی خواهد بود (شکویی، ۱۳۸۰). این شهرها قادرند با گسترش فعالیت‌های غیرزراعی از جمله صنعت و خدمات زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش درآمد و رفاه را برای ساکنان محلی مهیا نمایند. مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد (UNCRD) اعتبار شهرهای کوچک و میانی در کشورهای در حال توسعه را بیش‌تر در گرو سیاست‌های توسعه کشاورزی شامل پخشایش روش‌های افزایش بهره‌وری و برنامه‌های سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های روستایی می‌داند (سرایبی و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶).

راهبرد توسعه شهرهای کوچک از دهه ۱۹۷۰ به‌منظور ایجاد نظام سکونتگاهی متناسب و یکپارچه و الگوی عادلانه‌تر اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. عدم تعادل در نظام سلسله مراتب سکونتگاهی، توزیع مکانی نامتعادل جمعیت، دوگانگی بین نواحی روستایی و شهری، نادیده گرفته شدن منابع روستایی، تشدید مهاجرت روستاییان به

شهرهای بزرگ، نظام متمرکز مدیریتی، همراه با آثار نامطلوب اجرای رویکردهایی نظیر قطب رشد، سبب شد که راهبرد توسعه شهرهای کوچک که مبتنی بر دیدگاه توسعه از پایین به بالاست، در جهت اهداف توسعه شهری، روستایی، منطقه‌ای و ملی مطرح شود و در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه مورد عنایت قرارگیرد (قادرمزی، ۱۳۸۳). این راهبرد در ایران به‌شکل تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک در جهت خارج نمودن روستاها از انزوای جغرافیایی و تحقق تعادل‌های ناحیه‌ای نمود پیدا کرده است (سرای و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه، جهت‌گیری به‌سوی شهرهای کوچک یا روستاها با اهداف بهبود رفاه و کیفیت زندگی مردم در شهرها و روستاهای اطراف، کاهش نابرابری‌های موجود بین سکونتگاه‌ها، بهبود نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، و تمرکززدایی از نظام تصمیم‌گیری به یکی از وجوه مشخص سیاست‌های برنامه‌ریزی و عمران منطقه‌ای تبدیل شد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸).

دیدگاه‌های مختلفی در مورد نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی و جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی و کارکرد آن‌ها به‌عنوان مراکز خدمات وجود دارد. آنسو از جمله افرادی است که وجود آن‌ها را در تکمیل شبکه اسکان و ایجاد مفصلی مناسب در برقراری تعادل بین زیستگاه‌های شهری و روستایی الزامی می‌داند. تیسدل در مورد توزیع شهرها از لحاظ تعداد و اندازه معتقد است، با توجه به اینکه نیروهای طبیعی بازار قادر به ایجاد نظام بهینه توزیع جمعیت در سکونتگاه‌های سرزمین نیستند، برای پیشگیری از تمرکز در برخی از نقاط، توجه به رشد شهرهای کوچک مقیاس و میان مقیاس باید به‌عنوان راهی در سیاستگذاری نظام اسکان مورد تأکید قرار گیرد (امکچی، ۱۳۸۳). تجربیات جهانی بیانگر این واقعیت است که شهرهای کوچک نواحی مطلوبی برای تمرکززدایی محسوب شده و محرک توسعه روستایی، متعادل‌کننده نظام اسکان جمعیت و

فراهم کننده زمینه‌های تحقق توسعه پایدار به‌شمار می‌آیند (جمعه‌پور و رشنودی، ۱۳۹۰). نیل هسن در تبیین نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی، شهرنشینی اشاعه یافته از پایین (سیاست از پایین) را که توسعه شهرهای کوچک و میانی را در بر دارد، وسیله میسر و عملی جهت توسعه کشورهای در حال توسعه دانسته است که هدف آن کمک به رفع نیازهای اندک روستایی در مجاورت زندگی آنان است (باقری، ۱۳۷۵). در برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر چین، کنیا، مصر، مالزی و برخی دیگر، به‌منظور جلوگیری از تمرکز شدید شهری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کاهش مهاجرت‌های روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر، خدمات رسانی به روستاها و اهدافی از این دست، به امر توسعه و ایجاد شهرهای کوچک از طریق تقویت کانون‌های روستایی بزرگ و ارتقای آن‌ها در سلسله مراتب سکونتگاهی توجه گردیده است. تجربه کشورهای در حال توسعه در ایجاد شهرهای کوچک جدید روستایی نیز حاکی از آن است که بیش تر تأکیدات بر روی توزیع خدمات پایه در حوزه‌های نفوذ کشاورزی به‌منظور تقویت جامعه روستایی از طریق فرایند شهرنشینی روستایی صورت گرفته است (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰).

تحقیقات انجام شده در ایران نیز نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی دولت در پیگیری این سیاست، حضور و نفوذ بیش تر در روستاها به‌ویژه در سالهای پیش از انقلاب بوده است، زیرا هر چند پایه‌های اقتصادی دولت تا پیش از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ بر اقتصاد کشاورزی با ساختار روستایی استوار بود، اما مناسبات آن با روستا از طریق نظام سستی حاکم بر جامعه انجام می‌گرفت (رزاقی، ۱۳۶۷). تحقیقات دیگری در این زمینه نشان می‌دهد، تثبیت جمعیت در نواحی روستایی، افزایش فرصت‌های شغلی به‌ویژه در بخش خدمات اداری و تجاری افزایش و بهبود کارکردهای خدماتی (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰) در شهرهای ایجاد شده و حوزه نفوذ مؤثر بوده است. بسیاری از صاحب‌نظران، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در سطوح ملی و بین‌المللی بر قابلیت شهرهای کوچک و میانی برای بهبود

کیفیت زندگی انسان‌ها تأکید دارند (مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۰۷). و بر نقش مثبت این شهرها در تسهیل‌گری ارائه انواع خدمات به ساکنان محلی و روستاهای پیرامونی، کاهش بسیاری از مشکلات شهری که از طریق ورود مهاجران روستایی به شهرها و بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی در کشورهای در حال توسعه باور دارند. بنابراین توجه به این شهرها در شبکه اسکان می‌تواند با کاهش شکاف موجود بین شهر و روستا از لحاظ شاخص‌های کیفیت زندگی بر بهبود شرایط و افزایش استانداردهای زندگی کمک کند و در حقیقت نقش یک مکمل اقتصادی و اجتماعی را بازی کند.

روش

ماهیت تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی و روش آن، پیمایش بر پایه روش فازی است. برای گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و میدانی (پرسشنامه محقق ساخته) استفاده شده است. پرسشنامه علاوه بر پرسش‌های عمومی (جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی، وضعیت تأهل)، از ۴۵ پرسش اصلی پنج گزینه‌ای (طیف لیکرت) تشکیل گردیده که به‌طور همزمان از سرپرست خانوار در مورد دو مرحله زمانی قبل و بعد از شهر شدن پرسیده شده است. جامعه آماری، کلیه سرپرستان خانوار در دو شهر کوچک بنک و بردخون واقع در استان بوشهر هستند که در سال ۱۳۹۱ شامل ۱۴۳۷۷ نفر جمعیت و ۲۸۱۴ خانوار بودند. حجم نمونه بر مبنای خانوار و با استفاده از فرمول کوکران ۲۷۸ نفر سرپرست خانوار محاسبه شد. سپس به‌منظور ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی، ابتدا ابعاد، شاخص‌ها و معرف‌های پژوهش با عنایت به شرایط جغرافیایی و خصوصیات اقتصادی و اجتماعی محدوده مورد مطالعه، تعیین (جدول ۱) و پس از آن

1. UNFPA

پرسشنامه تدوین گردید. دلیل اکتفا به ابعاد اقتصادی و اجتماعی زیاد بودن معرفها و جلوگیری از پایین آمدن کیفیت تحقیق بوده است. روایی پرسشنامه با نظرخواهی از استادان و متخصصان بررسی و اصلاحات لازم انجام گرفت. پایایی پرسشنامه نیز به وسیله آزمون آلفای کرانباخ مقدار $0/853$ به دست آمد. در تحلیل و استنتاج داده‌ها از روش فازی در نرم‌افزار MATLAB استفاده گردید.

جدول (۱) شاخص‌ها و معرفهای کیفیت زندگی

ابعاد	شاخص‌ها	معرفها	
اقتصادی	توان اقتصادی	درآمد و پایداری درآمد، اشتغال، قدرت خرید کالاهای اساسی، قدرت خرید کالاهای رفاهی، توان مالی (در پرداخت پول آب، برق و سوخت)	
	خدمات اقتصادی	امکانات خدماتی (خرده فروشی، سوپر مارکت، رستوران، نانواپی)، شرکت تعاونی، تسهیلات بانکی	
اجتماعی	امکانات رفاهی	نوع راه دسترسی، وضعیت و کیفیت حمل و نقل بار و مسافر، وضعیت و کیفیت مسکن، دسترسی به رادیو، تلویزیون و کتابخانه	
	امکانات فراغتی	پارک و فضای بازی کودکان، زمین ورزشی	
	سلامت و تغذیه	تمکن مالی در معالجه بیماری‌ها، دسترسی به خدمات پزشکی و درمانی، وضعیت و کیفیت تغذیه خانواده، دسترسی به آب شرب سالم و بهداشتی	
	آموزش و درمان	امکانات و خدمات آموزشی (کودکستان، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی)، کیفیت امکانات و خدمات بهداشتی درمانی (خانه بهداشت، درمانگاه، داروخانه، پزشک عمومی و ماما)، خدمات بیمه تأمین اجتماعی	
	رضایت از زندگی	رضایت کلی از تسهیلات زندگی، احساس تعلق مکانی، رضایت از عملکرد دولت	

روش فازی و ارزیابی وضعیت کیفیت زندگی

ابهام و عدم قطعیت ذاتی حاکم بر محیط‌های برنامه‌ریزی در ارزیابی اهداف، معیارها و واحدهای تصمیم‌گیری از یک سو و ناسازگاری و عدم دقت در نظرات و قضاوت‌های افراد تصمیم‌گیرنده از سوی دیگر، سبب شده تا نظریه مجموعه‌های فازی و به تبع آن منطق فازی به صورت روشی کارآمد و مفید برای مواجهه با ابهام موجود در این گونه محیط‌ها و صورت‌بندی ریاضی آن در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها درآید (امینی فسخودی، ۱۳۸۵). نظریه مجموعه‌ها و منطق فازی برای شرایط عدم اطمینان کاربرد دارد.

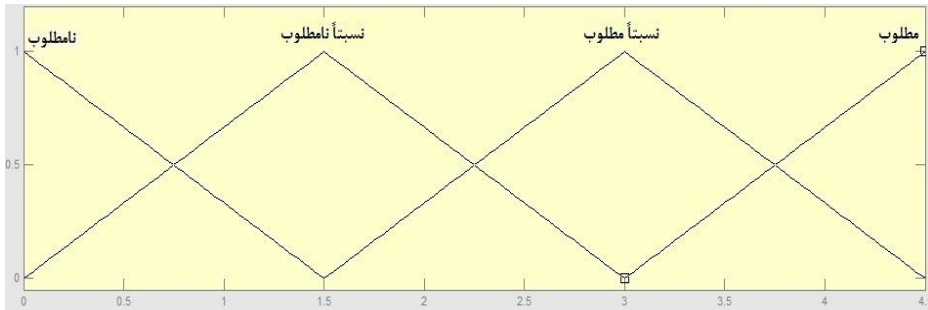
فرمول‌بندی بسیاری از مفاهیم و متغیرهای غیردقیق و مبهم، استدلال، کنترل و تصمیم‌گیری در شرایط نبود اطمینان براساس این نظریه ممکن می‌شود (طاهری، ۱۳۷۸). در این مسیر گزاره‌های زبانی کیفیت زندگی در زندگی روزمره که با عباراتی مانند «زیاد، خیلی زیاد، متوسط، خیلی کم، نسبتاً مطلوب، نسبتاً نامطلوب، نامطلوب و...» بیان می‌شود، دقت مشخصی ندارند. ارزیابی دقیق میزان رضایتمندی در روش‌های معمول و کلاسیک، به علت ابهام موجود در گزاره‌های زبانی تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد. به‌ویژه زمانی که بخواهیم ذهنیت و ادراک مردم را از یک مسئله کیفی بسنجیم، تعیین کردن عددی که نشانگر تصویری کلی از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی باشد، مشکلات افزایش می‌یابد (رضوانی و صحنه، ۱۳۸۴).

روش فازی قابلیت به کارگیری مجموعه انبوهی از گزاره‌های زبانی مبهم و متغیرهای مختلف توأم با یکدیگر را دارا می‌باشد و قادر است نتایجی واقعی‌تر ارائه نماید. یک مجموعه فازی با تابع عضویت آن مشخص می‌شود.

در نظریه کلاسیک تابع عضویت مجموعه‌ای است که عدد یک در مرز آن و صفر بیرون آن قرار می‌گیرد. برای یک مجموعه فازی تابع عضویت به گونه‌ای تعریف می‌گردد که در فاصله بین صفر و یک قرار می‌گیرد. تابع عضویت، درجه عضویت هر کدام از مقادیر را در مجموعه مشخص می‌کند (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۷). به‌منظور تعریف و مشخص نمودن یک مجموعه فازی، تابع عضویت μ_A مورد نیاز است، که نگاشت آن به صورت زیر می‌باشد:

$$\mu_A: X \rightarrow \{0, 1\}$$

در اینجا مقدار $\mu_A(x)$ عبارت از مقدار عضویت یا درجه عضویت است، که بیانگر درجه تعلق x به مجموعه فازی است. هر چه مقدار $\mu_A(x)$ به یک نزدیکتر باشد، درجه تعلق عنصر x به مجموعه فازی بیشتر است و اگر $\mu_A(x) = 0$ باشد آنگاه می‌گوییم عنصر x به مجموعه فازی A اصلاً تعلق ندارد. یک تابع عضویت می‌تواند هر شکلی را براساس تعریف و ماهیت مسئله توسط طراح از نقطه نظر سادگی، سرعت و کارایی به خود بگیرد (الجراح و ابوقدیس، ۲۰۰۶). در واقع یکی از ویژگی‌های اساسی منطق فازی، در استفاده از ساختار قانون پایه است که در طی آن مسائل کتتری به یک سری قوانین $\text{If } x \text{ And } Y \text{ Then } z$ تبدیل می‌شوند که پاسخگوی خروجی مطلوب سیستم برای شرایط ورودی داده شده به سیستم می‌باشد. این قوانین ساده و آشکار برای توصیف پاسخ‌دهی مطلوب سیستم با اصطلاحاتی از متغیرهای زبان شناختی به جای فرمول‌های ریاضی استفاده می‌شوند. به عبارتی منطق فازی می‌خواهد با استفاده از طیفی از عضویت (از صفر تا یک) گزاره‌های زبانی را شبیه سازی کند. یک تابع عضویت متغیر زبانی کیفیت زندگی را می‌توان به شکل زیر نمایش داد (شکل ۱ و جدول ۲).



شکل (۱) گزاره‌های زبانی فازی در یک متغیر کیفیت زندگی

جدول (۲) گزاره‌های زبانی و دامنه‌های فازی یک متغیر وضعیت کیفیت زندگی

گزاره‌های زبانی دامنه‌های فازی				متغیر
نامطلوب	نسبتاً نامطلوب	نسبتاً مطلوب	مطلوب	
$X < 1/5$	$0 < X < 3$	$1/5 < X < 4/5$	$X < 4/5$	نام متغیر

مراحل تحلیل وضعیت کیفیت زندگی با روش فازی

الف) فازی سازی ورودی‌ها: در این مرحله متغیرهای پژوهش که با استفاده از پرسیدن ادراک ذهنی روستاییان از کیفیت زندگی به دست آمد، بهنجار شد و سپس مجموعه فازی، متغیرها و شاخص‌های ورودی و خروجی تعریف شد. تابع عضویت هر متغیر و شاخص نشانگر میزان کیفیت زندگی در آن متغیر و شاخص در هر سکونتگاه است. طبقه‌بندی توابع عضویت داده ورودی را به صورت مجموعه‌های فازی در چهار طیف مطلوب^۱، نسبتاً مطلوب^۲، نسبتاً نامطلوب^۳ و نامطلوب^۴ تقسیم می‌کند که دامنه تمام داده‌های ورودی با چنین متغیرهایی یا نسبت دادن درجه، تقسیم بندی می‌شود.

ب) استنتاج: پس از تعریف درجات توابع عضویت متغیرها به زبان فازی و به تبع آن شکل‌گیری قواعد «اگر-آنگاه» فازی، قواعد مورد نظر تدوین شده و خروجی فازی حاصل خواهد شد (کردستانی و رحیمی، ۱۳۸۸). متغیرهای قرار گرفته در یک خوشه با استفاده از عملیات اشتراک فازی محاسبه خواهند شد. در این مرحله نظر کارشناس خبره در موضوع مورد مطالعه به عنوان پایگاه دانش و مجموعه قوانین بنیانی که در آن متغیرهای زبانی به کار

1. Desirable
2. Relatively Desirable
3. Relatively Udesirable
4. Udesirable

می‌رود، اعمال شده و با استفاده از قواعد اگر-آنگاه فازی، تمام حالات ممکن برای متغیرها و شاخص‌های کیفیت زندگی و همه سکونتگاه‌های روستایی در نظر گرفته شده است. مقدار عضویت تابع خروجی، اشتراک دو تابع ورودی است. در مرحله مذکور قواعد فازی محتمل تدوین گشته و در نهایت در جعبه ابزار فازی در نرم‌افزار MATLAB مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. خروجی مورد نظر طبق ضرایب به دست آمده از طریق وزن‌دهی مبتنی بر نظر افراد خبره حاصل گردید.

ج) نافازی سازی: در این مرحله پس از بررسی نتایج قواعد فازی، داده‌های کیفی به داده‌های کمی طی فرآیندی تبدیل شد. در این رابطه چندین روش تبدیل بر پایه الگوریتم-های ریاضی وجود دارد. روش «مرکز ثقل» از جمله مهم‌ترین آن‌ها است که در این پژوهش از آن استفاده شده است (الجراح و ابوقدیس، ۲۰۰۶).

$$\text{Defy} = \frac{\int_y gB(y) y dy}{\int_y gB(y) dy}$$

محدوده پژوهش

شهر بردخون به لحاظ تقسیمات سیاسی جزو دهستان بردخون، بخش بردخون و شهرستان دیر در استان بوشهر می‌باشد (شکل ۲) و در عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و ۳ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۸ دقیقه شرقی واقع شده است. این شهر در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ دارای ۹۳۱ خانوار و ۴۳۰۰ نفر جمعیت بوده (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)، که در سال ۱۳۹۱ این جمعیت به ۴۵۹۷ نفر و ۱۰۳۸ خانوار افزایش پیدا کرده است. اقتصاد این شهر غالباً بر پایه کشاورزی (پرورش گیاهان جالیزی، دامداری) و ماهیگیری در درجه اول و سپس امور خدماتی (مانند بازرگانی و خرید و فروش یا امور اداری) استوار است. شهر بنک از توابع دهستان حومه، بندر کنگان و شهرستان کنگان در استان بوشهر است (شکل

۳) که براساس سرشماری ۱۳۸۵ دارای ۱۷۵۱ خانوار و ۸۷۵۳ نفر جمعیت بوده (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)، که در سال ۱۳۹۱ جمعیت آن به ۹۷۸۰ نفر و ۱۷۷۶ گسترش پیدا کرده است. اقتصاد این شهر به خاطر موقعیت جغرافیایی آن که در مسیر بوشهر-بندر عباس واقع شده، در درجه اول بر پایه فعالیت‌های خدماتی (سرویس دهی به بنگاه‌های حمل و نقل و مسافر) و سپس بر مبنای کشاورزی (کشت گوجه فرنگی، گندم دیم و دامداری) استوار می‌باشد.

یافته‌ها

از میان کلیه افراد نمونه، ۲۰/۵٪ زن و ۷۹/۵٪ مرد بودند. بیش تر پاسنخگویان (۵۵/۴٪) بین ۳۰ تا ۵۵ سال سن داشته‌اند. ۴۹/۹٪ از آن‌ها دارای سواد زیر دیپلم و ۵۰/۱٪ سواد دیپلم و بالاتر بودند. از نظر وضعیت شغلی، اغلب پاسنخگویان دارای مشاغل آزاد و کارگری (۳۴/۵٪)، ۲۸٪ دارای مشاغل کشاورزی و دامداری، ۲۰٪ کارمند و معلم و ۱۷/۵٪ بیکار بودند.

برای این‌که از ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی سیاست تبدیل روستا به شهر شناخت درستی پیدا کنیم و این شناخت دقیق و نزدیکتر به دنیای واقعی ما باشد، در این پژوهش از روشی علمی با نگاه چندارزشی (روش فازی) بهره‌گیری شده است. این پژوهش میزان رضایتمندی ساکنان محلی دو شهر کوچک بنک و بردخون که اولی در سال ۱۳۸۶ و دومی در سال ۱۳۷۹ به شهر تبدیل شده‌اند، با روش فازی مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده است.

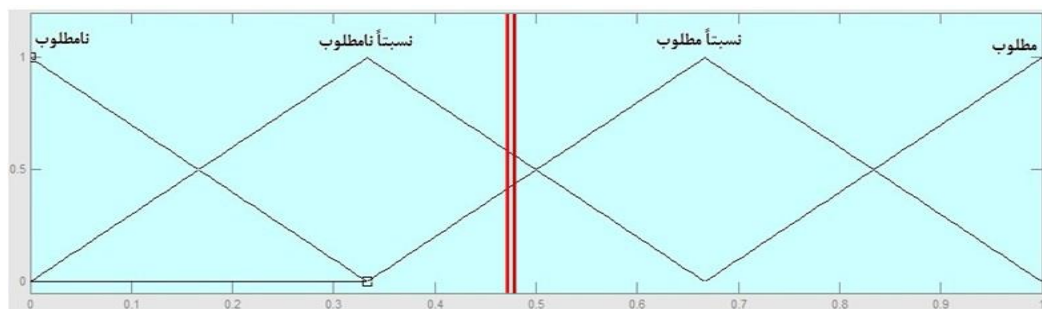
قبل از شهر شدن

بنک و بردخون قبل از این‌که به شهر تبدیل شوند به بسیاری از خدمات عمومی و رفاهی دسترسی چندانی نداشته و برای عرضه تولیدات کشاورزی خود به بازار فروش با مشکلات زیادی مواجه بودند. ساکنان این سکونتگاه‌ها از این نظر که شکاف زیادی بین زندگی خود و ساکنان شهری پیرامون به‌لحاظ برخورداری از بسیاری از امکانات زندگی را لمس می‌کردند، احساس رضایت کمی از کیفیت زندگی‌شان در روستا داشتند. طبق یافته‌های این پژوهش،

میزان رضایتمندی در هر دو شهر بَنک و بردخون به ترتیب در ابعاد اقتصادی و اجتماعی دارای ضریب $0/504$ و $0/484$ است (جدول ۳)، که بیانگر کیفیت زندگی در حد نسبتاً نامطلوب می‌باشد (شکل ۲). در این میان، در بعد اقتصادی بهترین وضعیت به شاخص «خدمات اقتصادی» و در بعد اجتماعی بهترین وضعیت به شاخص «امکانات رفاهی» و کم‌ترین آن به شاخص «امکانات فراغتی» تعلق دارد. بدین مفهوم که ساکنان محلی در هر دو شهر از خدمات اقتصادی و امکانات رفاهی بیش‌ترین احساس خرسندی و از امکانات فراغتی و سلامت و تغذیه کم‌ترین احساس خرسندی را داشته‌اند.

جدول (۳) استنتاج وضعیت کیفیت زندگی با روش فازی (قبل از شهر شدن)

رتبه شاخص‌ها	ضرایب کلی			ضرایب شاخص‌ها		شاخص‌ها	ابعاد	
	بَنک	بُردخون	هر دو شهر	بَنک	بُردخون			
۵	۵	$0/504$	$0/471$	$0/537$	$0/471$	$0/529$	توان اقتصادی	اقتصادی
۲	۱				$0/666$	$0/669$	خدمات اقتصادی	
۱	۲	$0/484$	$0/482$	$0/487$	$0/667$	$0/667$	امکانات رفاهی	اجتماعی
۷	۶				$0/328$	$0/333$	امکانات فراغتی	
۶	۶				$0/333$	$0/333$	سلامت و تغذیه	
۴	۴				$0/474$	$0/533$	آموزش و درمان	
۳	۳				$0/477$	$0/536$	رضایت از زندگی	
-	-	$0/485$	$0/481$	$0/489$	-	-	کل	
-	-	-	۲	۱	-	-	رتبه کیفیت زندگی در سکونتگاه	



شکل (۲) خروجی استنتاج فازی از کیفیت زندگی (قبل از شهر شدن) در محدوده مورد مطالعه (به ترتیب از چپ به راست بردخون با ضریب $0/481$ و بنک با ضریب $0/489$ در بازه «نسبتاً نامطلوب» قرار گرفته‌اند)

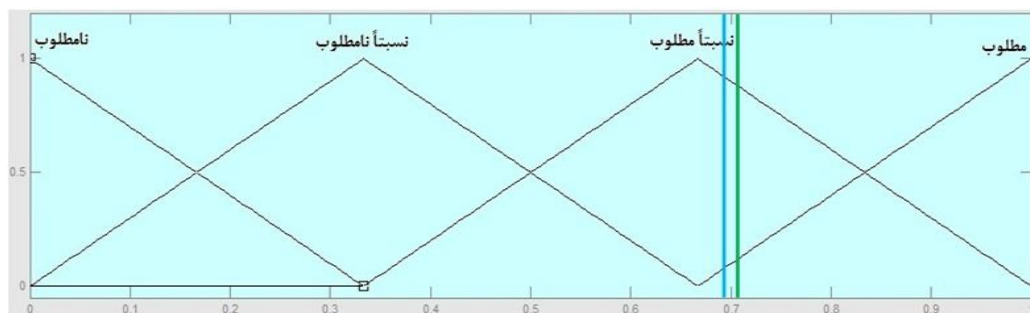
بعد از شهر شدن

بعد از تبدیل روستاهای بنک و بردخون به شهر، بسیاری از خدمات و امکانات زیربنایی و رفاهی (آموزشی، بهداشتی-درمانی، مرکز خدمات کشاورزی و...) به سرعت به این سکونتگاه وارد شد. از این رو نتایج بیانگر افزایش چشمگیر احساس خرسندی ساکنان از اوضاع اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی در محل سکونت و ماندگاری در آن نسبت به زمان قبل از تبدیل شدن به شهر است. به طوری که میزان رضایتمندی در هر دو شهر بنک و بردخون به ترتیب در ابعاد اقتصادی و اجتماعی از $0/504$ و $0/484$ در زمان قبل از شهر شدن به $0/668$ و $0/698$ در زمان بعد از شهر شدن افزایش یافته است، که طبق استنتاج منطق فازی میزان کیفیت زندگی در حد نسبتاً مطلوب را نشان می‌دهد (جدول ۴ و شکل ۳). در این بین، در بعد اقتصادی «خدمات اقتصادی» و در بعد اجتماعی شاخص «رضایت از زندگی» (احساس تعلق مکانی، رضایت از عملکرد دولت و خرسندی از سکونت در اجتماع محل) بهترین وضعیت را دارند. اما بدترین وضعیت کیفیت زندگی در

بعد اقتصادی از آن شاخص «توان اقتصادی» و در بعد اجتماعی از آن «امکانات فراغتی» می‌باشد. یعنی ساکنان محلی از شاخص‌های «رضایت از زندگی» و «آموزش و درمان» بیش‌ترین و از «امکانات فراغتی» کم‌ترین احساس مطلوبیت را دارند. در کل، میزان مطلوبیت کیفیت زندگی در بعد اجتماعی غالب‌تر و برجسته‌تر از بعد اقتصادی بوده است.

جدول (۴) استنتاج وضعیت کیفیت زندگی با روش فازی (بعد از شهر شدن)

رتبه شاخص	ضرایب کلی			ضرایب شاخص‌ها		شاخص‌ها	ابعاد	
	رتبه شاخص	بُردِخون	بُنک	بُردِخون	بُنک			
۶	۶	۰/۶۶۸	۰/۶۶۹	۰/۶۶۷	۰/۶۶۴	۰/۶۶۲	توان اقتصادی	اقتصادی
۳	۳				۰/۶۶۹	۰/۶۶۸	خدمات اقتصادی	
۵	۴	۰/۶۹۸	۰/۷۰۲	۰/۶۹۴	۰/۶۶۵	۰/۶۶۷	امکانات رفاهی	اجتماعی
۷	۷				۰/۶۵۶	۰/۶۵۸	امکانات فراغتی	
۵	۵				۰/۶۶۵	۰/۶۶۴	سلامت و تغذیه	
۲	۲				۰/۶۷۷	۰/۶۷۳	آموزش و درمان	
۱	۱				۰/۷۱۵	۰/۷۰۴	رضایت از زندگی	
-	-	۰/۷۰۱	۰/۷۰۴	۰/۶۹۸	-	-	کل	
-	-	-	۱	۲	-	-	رتبه کیفیت زندگی در سکونتگاه	



شکل (۳) خروجی استنتاج فازی از کیفیت زندگی (بعد از شهر شدن) در محدوده مورد مطالعه (به ترتیب از چپ به راست بنک با ضریب ۰/۶۹۸ و بردخون با ضریب ۰/۷۰۴ در بازه «نسبتاً مطلوب» قرار گرفته‌اند)

یافته‌های کلی به‌دست آمده حاکی از آن است که وضعیت کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های مورد مطالعه در زمان قبل از شهر شدن در حد نسبتاً نامطلوب قرار داشته است، که به ترتیب در دو شهر بنک و بردخون دارای ضریب ۰/۴۸۹ و ۰/۴۸۰ به‌دست آمده است. اما در زمان بعد از شهر شدن میزان مطلوبیت به‌حد نسبتاً مطلوب ارتقاء یافته و به ترتیب در بنک و بردخون ضرایب ۰/۶۹۸ و ۰/۷۰۴ را به‌خود اختصاص داده است. رتبه‌بندی شاخص‌ها نشان داد که شاخص‌های «رضایت از زندگی، آموزش و درمان و خدمات اقتصادی» در هر دو شهر به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم و شاخص «امکانات فراغتی» رتبه آخر را به‌خود اختصاص داده‌اند. رتبه سکونتگاه‌ها نیز نشان از رضایت بالاتر ساکنان در شهر بردخون دارد (جدول ۳ و جدول ۴). در کل ضریب مطلوبیت کیفیت زندگی از ۰/۴۸۵ در زمان قبل از شهر شدن به ۰/۷۰۱ در زمان بعد از شهر شدن بهبود یافته است.

بحث

کیفیت زندگی در فضاهای برنامه‌ریزی شده، کاهش نابرابری‌ها، افزایش حس تعلق به مکان و دسترسی عادلانه مردم به عوامل و عناصر توسعه، هدف اصلی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌باشد. با این نگرش، تحقیق حاضر به ارزیابی وضعیت کیفیت زندگی روستاهای ارتقاء یافته به شهر با روش فازی و از دید جامعه نمونه پرداخته است. طبق نتایج منطق فازی در مرحله زمانی قبل از شهر شدن، میزان متوسط مطلوبیت کیفیت زندگی به ترتیب در ابعاد اقتصادی و اجتماعی دارای ضریب $0/504$ و $0/484$ بود که در این میان، در بعد اقتصادی بیش‌ترین مطلوبیت کیفیت زندگی از آن شاخص خدمات اقتصادی و در بعد اجتماعی بیش‌ترین مطلوبیت به شاخص «امکانات رفاهی» و کم‌ترین آن به شاخص «امکانات فراغتی» تعلق داشت. بدین مفهوم که ساکنان محلی در هر دو شهر از خدمات اقتصادی و امکانات رفاهی بیش‌ترین احساس مطلوبیت و از امکانات فراغتی و سلامت و تغذیه کم‌ترین احساس مطلوبیت را داشته‌اند.

در مرحله زمانی بعد از شهر شدن، نتایج بیانگر افزایش چشمگیر احساس خرسندی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی زندگی در محل سکونت و ماندگاری در آن نسبت به زمان قبل از تبدیل شدن به شهر بود. به طوری که میزان متوسط کیفیت زندگی به ترتیب در ابعاد اقتصادی و اجتماعی قبل از شهر شدن از $0/504$ و $0/484$ به ضرایب $0/668$ و $0/698$ در زمان بعد از شهر شدن افزایش یافته است. در این بین، در بعد اقتصادی «خدمات اقتصادی» و در بعد اجتماعی شاخص «رضایت از زندگی» (احساس تعلق مکانی، رضایت از عملکرد دولت و خرسندی از سکونت در اجتماع محل) بهترین وضعیت را داشتند. اما کم‌ترین تأثیر در بعد اقتصادی از آن شاخص «توان اقتصادی» و در بعد اجتماعی از آن «امکانات فراغتی» می‌باشد. از این رو می‌توان استنباط نمود که برنامه‌های دولت در این سکونتگاه‌ها بیش‌تر بر امور خدمات رسانی و تقویت امکانات عمومی متمرکز و استوار بوده و می‌باشد

تا امور اقتصادی مانند ایجاد اشتغال و تولید و کسب درآمد. به همین دلیل است که ساکنان محلی از توان اقتصادی خود کمترین احساس رضایت را ابراز نموده‌اند.

در مجموع ساکنان محلی از شاخص‌های رضایت از زندگی و آموزش و درمان بیش‌ترین و از امکانات فراغتی کم‌ترین احساس مطلوبیت را دارند، ضمن این‌که کیفیت زندگی در بعد اجتماعی غالب‌تر و برجسته‌تر از بعد اقتصادی بوده است.

نتایج کلی به‌دست آمده حاکی از آن است که وضعیت کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های مورد مطالعه در زمان قبل از شهر شدن در حد «نسبتاً نامطلوب» قرار داشته است، که به‌ترتیب در دو شهر بنک و بردخون دارای ضریب $0/489$ و $0/480$ به‌دست آمده است. اما در زمان بعد از شهر شدن میزان مطلوبیت به‌حد «نسبتاً مطلوب» ارتقاء یافته و به‌ترتیب در بنک و بردخون ضرایب $0/698$ و $0/704$ را به‌خود اختصاص داده است. رتبه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی نشان داد که شاخص‌های «رضایت از زندگی، آموزش و درمان و خدمات اقتصادی» در هر دو شهر به‌ترتیب رتبه‌های اول تا سوم و شاخص «امکانات فراغتی» رتبه آخر را به‌خود اختصاص داده‌اند. رتبه سکونتگاه‌ها نیز نشان از رضایت بالاتر ساکنان در شهر بردخون دارد. لذا می‌توان استنباط نمود که رشد سریع خدمات و امکانات رفاهی، افزایش دسترسی‌ها به خدمات اقتصادی و تسهیلات مکمل بخش کشاورزی و... سبب شده ساکنان محلی در حد بالایی از زندگی خود احساس خرسندی نمایند و تمایل - شان به ماندگاری در محل سکونت افزایش یابد. به‌طور کلی سیاست تبدیل روستا به شهر به‌طور چشمگیری در افزایش احساس تعلق مکانی در محدوده مورد مطالعه، نقش بازی کرده است. به‌طوری که میزان مطلوبیت کیفیت زندگی از ضریب $0/485$ در زمان قبل از شهر شدن به ضریب $0/701$ در زمان بعد از شهر شدن بهبود یافته است. بدین معنی که میزان مطلوبیت کیفیت زندگی به‌طور متوسط در هر دو شهر $0/216$ واحد ارتقاء یافته است.

از علل اساسی بهبود چشمگیر میزان خرسندی از شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی (خدمات اقتصادی) در دو شهر بنک و بردخون می‌توان به گسترش بسیار بالای امکانات خدماتی (فروشگاه‌های مواد غذایی، رستوران، نانوايي، مسافرخانه و...)، ارائه نسبتاً گسترده تسهیلاتی همچون وام مسکن و کشاورزی به مردم، بهبود بازار فروش تولیدات کشاورزی و دامی و دستیابی ساکنان محلی به شغل بهتر و درآمد بیش‌تر و پایدارتر اشاره نمود. در شهر بنک، از عوامل مهم افزایش کیفیت زندگی بعد از ارتقای این سکونتگاه‌ها به شهر، می‌توان اراضی نسبتاً گسترده و حاصلخیز، تولیدات بالای محصولات کشاورزی (به ویژه گوجه فرنگی و گندم دیم) تحت حمایت دولت و موقعیت مطلوب جغرافیایی (نزدیکی به مراکز شهری و بین راهی بودن) آن را ذکر نمود. ارتقای امکانات زیرساختی (راه دسترسی، سیستم لوله کشی آب شرب، شبکه تلفن و...)، علاوه بر این افزایش چشمگیر امکانات بهداشتی-درمانی در شهر بردخون و موقعیت ارتباطی مناسب در شهر بنک از جمله عوامل مهمی هستند که در بهبود چشمگیر میزان مطلوبیت در بعد اجتماعی تأثیر فراوانی داشته‌اند. در شهر بردخون، وجود امکانات درمانی و پزشکی نسبتاً کافی و مناسب (یک درمانگاه، دو تا پزشک عمومی، یک پزشک متخصص، یک دندانپزشک، یک متخصص مامایی و دو داروخانه) و وجود زیرساخت‌هایی مانند راه دسترسی آسفalte درجه یک، معابر مناسب داخل شهر، شبکه برق و تلفن، وجود کودستان و دو دبیرستان تأثیر بسیار زیادی در بهبود رضایت ساکنان محلی از زندگی در اجتماع محل داشته است. در شهر بنک، با وجود امکانات بهداشتی درمانی کم‌تر، نبود کودستان و تعداد کم کلاس‌های درس دبیرستان نسبت به بردخون و میزان جمعیت رضایت بالایی از این امکانات و خدمات وجود داشته است. از دیگر عوامل مؤثر در بهبود کیفیت زندگی، بهبود وضعیت و کیفیت تغذیه، کیفیت دسترسی به آب شرب بهداشتی و کیفیت دسترسی به امکانات به خدمات پزشکی و درمانی، ارتقای کیفیت دسترسی به گیرنده شبکه‌های تلویزیونی، کیفیت راه دسترسی،

کیفیت معابر داخل روستا و دسترسی به مراکز شهری، افزایش امکانات خدماتی (مانند رستوران، نانوايي، مسافرخانه و ارتقای فروشگاههای مواد غذایی و بسیاری از خدمات دیگر) که بعد از شهر شدن به آنها دست یافته‌اند، قابل ذکر هستند.

آنچه که از این پژوهش به دست آمد، بیانگر نقش مؤثر سیاست تبدیل روستا به شهر در ارتقای مطلوبیت کیفیت زندگی ساکنان محلی - البته بیش تر در ابعاد خدماتی و زیرساخت - های مصرف گرایانه - است و به زیرساخت‌های تولیدی و اشتغال‌زا کم تر توجه شده است. با این وجود می‌توان نتیجه گرفت که سیاست مزبور نقش محوری در ارتقا و بهبود کیفیت زندگی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی ایفا کرده است. بنابراین به‌کارگیری و ادامه این سیاست در کشور ایران می‌تواند به‌عنوان یک راهکار در ارتقای کیفیت زندگی در روستاهای بزرگ و مستعد شهر شدن، مد نظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باشد. البته در صورت توسل به این سیاست بایستی همزمان با ارتقای زیرساخت‌ها و بهبود خدمات رسانی، به‌طور متوازن به‌امر تولید و اشتغال‌زایی و تقویت احساس مکان دوستی از این طریق، توجه ویژه نمود.

- امکچی، ح. (۱۳۸۳). *شهرهای میانی و نقش آن‌ها در چارچوب توسعه ملی*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- امیرانتخابی هشتپری، ش. (۱۳۸۶). *فرآیند و پیامدهای فضایی-کالبدی تبدیل روستا به شهر در شهرستان تالش*. رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- امینی فسخودی، ع. (۱۳۸۵). ارزیابی واحدهای تصمیم‌گیری با استفاده از مدل برنامه‌ریزی اولویت بندی فازی گروهی، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، جلد بیستم شماره ۱، ۲۱۱-۲۳۰.
- ایزدی خرامه، ح. (۱۳۸۰). *تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مورد استان فارس*، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس
- باقری، اشرف السادات (۱۳۷۵) *کارکردهای شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای*، مطالعه موردی نجف
- جمعه‌پور، م. و رشدی، ب. (۱۳۹۰). بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون با تأکید بر کیفیت زندگی، *مجله توسعه روستایی*، دوره سوم، شماره ۱، ۴۵-۶۴.
- حاجی‌نژاد، ع. و همکاران (۱۳۸۹). بررسی متغیرهای فردی مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی: مورد شهر شیراز. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، پیاپی ۱۷.
- ربانی خوراسگانی، ع. و کیانپور، م. (۱۳۸۶). مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی؛ مطالعه موردی: شهر اصفهان. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۵۸-۵۹.
- رزاقی، ا. (۱۳۶۷). *اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی.
- رضوانی، م. و همکاران (۱۳۸۹). توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)، *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، شماره دوم، ۸۷-۱۱۰.

- رضوانی و همکاران (۱۳۸۶). نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه مورد: دهستان رونیز (شهرستان استهبان). *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۱، ۴۵-۵۸.
- رضوانی، م. و همکاران (۱۳۸۸). ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان). *مجله پژوهش‌های روستایی*، شماره اول.
- رضوانی، م. و صحنه، ب. (۱۳۸۴). سنجش سطح توسعه یافتگی نواحی روستایی با استفاده از منطق فازی، مطالعه موردی دهستان‌های شهرستان‌های آق‌قلا و بندر ترکمن. *فصلنامه روستا و توسعه*، سال هشتم، شماره ۳، ۱-۳۲.
- رفیعیان، م. و همکاران (۱۳۸۸). سنجش میزان رضایتمندی سکونت‌ی ساکنان محله نواب، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۶۷.
- رفیعیان، م. و خدائی، ز. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. *فصلنامه راهبرد*، سال هجدهم، شماره ۵۳.
- رهنورد، ف. (۱۳۸۲). توانمندسازی کارکنان؛ گامی به سوی مشتری‌مداری. *فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه*، شماره ۵۹، ۲۸-۳۷.
- سرایی، م. ح. و اسکندری ثانی، م. (۱۳۸۶). تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه ای موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، شماره ۱۰، ۱۶۵-۱۸۲.
- سلیم‌زاده، ح. و همکاران (۱۳۸۶). اشتغال مجدد بازنشستگان و شاخص‌های کیفیت زندگی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶.
- شایان، ح. و همکاران (۱۳۸۹). ارزیابی میزان رضایتمندی روستاییان از محیط سکونتگاهی: مطالعه موردی شهرستان کمیجان. *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۱.
- شکویی، ح. (۱۳۸۰). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.

- شکویی، ح. (۱۳۷۸). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- فرهادنژاد، ح. (۱۳۸۷). مدیریت رضایتمندی مراجعان در سازمان‌های دولتی. *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۹۷.
- غفاری، غ. و امید، ر. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هشتم، شماره‌های ۳۰ و ۳۱، ۳۳-۹.
- طاهری، س. م. (۱۳۷۸). آشنایی با *نظریه مجموعه‌های فازی*، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- قادرمزی، ح. (۱۳۸۳). *نقش روستاشهرها در توسعه روستاهای پیرامونی (مطالعه موردی: روستاشهر دهگلان)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
- قالیباف، م. و همکاران (۱۳۸۸). سنجش میزان رضایتمندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی: مطالعه موردی بخش نوسود استان کرمانشاه. *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۳، ۱۶۳-۱۸۴.
- کردستانی، غ. و رحیمی، م. (۱۳۸۸). کاربرد منطق فازی در حسابداری و تصمیم‌گیری‌های مالی. *مجله حسابرس*، شماره ۴۷، ۸۶-۹۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
- نجات، س. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی و اندازه‌گیری آن. *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، دوره ۴، شماره ۲، ۵۷-۶۲.
- هاشمی، س. ا. و همکاران (۱۳۸۷). کاربرد سیستم استنتاج فازی در ارزیابی کیفیت آب شرب. *سومین کنفرانس مدیریت منابع آب ایران*، دانشگاه تبریز.
- Al-Jarrah, O. A-Q. (2006). Han, *Municipal solid waste landfill sitting using intelligent system*. Waste Management 26, 299-306.
- Costanza, R. (2007). Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being. *Ecological Economics*, 61(2-3).

- Diener, E. (2000). "*Subjective well-being*". American Psychologists, VOL. 55(1): 34- 43
- Ducey, M. J. and Larson, B. C. (1999). A Fuzzy Set Approach to the Problem of Sustainability. *Forest Ecology and Management*, 115(1), 29-40.
- Epley, D. and Menon, M. (2008). *A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life*, Soc Indic Res, 88:281-296.
- Hourihan, K. (1984). "Context- Dependent Models of residential satisfaction". *Environment and Behavior*, Vol. 16.
- Rahman, M. and Wandschaneder (2003). Measuring the Quality of Life across countries: A sensitivity Analysis of well-being indices. wider international conference on inequality, *poverty and Human well-being*, May 30-31, Helsinki, Finland.
- Schneider, M. (1976). "The quality of life and social indicators research". *Public Administration Review*, VOL, 36(3): 1 – 297.
- United Nations Population Fund (2007). *State of World Population 2007*. Unlashing the Potential of Urban Growth, New York, UNFPA.